

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، شماره ۳۴

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۱۶۰-۱۳۱

گفتمان کاوی روایات امام صادق علیه السلام در خصوص کیفیت مواجهه با حاکم جائز

فتحیه فتاحی زاده*

سیده زینب گلابگیر نیک**

چکیده

اهمیت دانش فقه الحدیث و غنابخشی به آن همواره مورد توجه بوده است. بهره‌گیری از دانش‌های جدید نیز با توجه به ملاحظات فهم متون دینی می‌تواند در این راستا تعریف شود. در این پژوهش با کاربست روش تحلیل گفتمان پدام به گفتمان کاوی مجموعه روایات امام صادق علیه السلام در موضوع چگونگی مواجهه با حاکم جائز پرداخته شده است. در این مقاله با بررسی روایات در بسترهای فکری، علمی و سیاسی و با تحلیل آن‌ها در پنج فضای متفاوت، الگویی منسجم در این خصوص به دست آمد. نتایج حاصل شده در این زمینه ضمن نشان دادن نقاط افتراق با دیگر جریان‌ها و گفتمان‌های فکری و سیاسی در این زمینه، حاکی از طرح گفتمانی با دال مرکزی «عدم مشروعیت حاکم جائز» در مقابل دیگر گفتمان‌های متخاصم و هم‌عرض با شیعه امامیه است. برآیند تحلیل روایات نشانگر راهبردهایی در سطوح سلبی و ایجابی، برای پیروان است که کنش منفعلانه در این خصوص پیامدهای سوء فردی و اجتماعی به همراه داشته و در مقابل، واکنش فعالانه در این عرصه می‌تواند زمینه تقویت قدرت و تسلط گفتمان جبهه حق را فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: امام صادق علیه السلام، حاکم جائز، تحلیل گفتمان، روش عملیاتی پدام، گفتمان‌های رقیب.

* استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء علیها السلام، تهران، ایران، f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

** دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء علیها السلام، تهران، ایران، نویسنده مسئول،

z.golnik1991@gmail.com

۱. بیان مسئله

اهتمام به فقه الحدیث و لزوم فهم صحیح احادیث به عنوان دومین منبع معرفت بخش مسلمانان بر کسی پوشیده نیست. امروزه افزون بر روش های متداول و سنتی که همواره برای فهم حدیث به کار گرفته می شود، روش های متعدد تحلیل متن نیز جایگاه ویژه خود را در میان پژوهشگران مسلمان یافته، به گونه ای که با کاربرست آن ها افق های فهم جدیدی از نصوص دینی در مقابل ایشان گشوده است.

زمانه حیات امام صادق (ع) پر از حوادث و رخداد های سیاسی اجتماعی و همچنین عرصه تضارب آراء فقهی و کلامی است. با نظر به تراکم روایات فقهی و کلامی ایشان و ازسوی دیگر، گزارش های تاریخی مبنی بر عدم همراهی امام (ع) با قیام ها و درخواست های متعدد پذیرش خلافت در آن زمان، همواره به ابعاد کادر سازی، تربیت نیروی انسانی و فرهنگ سازی اسلامی ازسوی ایشان توجه شده است. اما آنچه به نوعی مغفول مانده، واکاوی گفتمان حاکم بر روایات کیفیت مواجهه با حاکم جائز ازسوی ایشان است که ظرفیت آشکار سازی زوایای پنهان اندیشه و کنشگری امام (ع) در این خصوص را دارد.

در این نوشتار، با کاربرست روش تحلیل گفتمان پدام،^۱ به گفتمان کاوی آن دسته از روایات امام صادق (ع) پرداخته شد که به نوعی کیفیت مواجهه با حاکم جائز را نشان داده است و با تحلیل متن روایات در پنج فضای متفاوت، زمینه های صدور و شرایط فراگفتمانی این روایات تبیین می شود و در این پژوهش به این سؤال اساسی پاسخ داده می شود که برآیند تحلیل گفتمان روایی امام صادق (ع) در مواجهه با حاکم جائز کدام است؟

هر چند به موضوع سیره سیاسی ائمه هدی (ع) با حکام غاصب در زمان حضور ایشان و همچنین به سوبه های فقهی این موضوع در کتب و مقالات متعدد پرداخته شده، پژوهشی مستقل در تحلیل گفتمان این روایات، و نیز مشخصاً روایات امام صادق (ع) صورت نگرفته است. در مورد پیشینه کاربرست این روش (پدام) در تحلیل نصوص دینی، می توان به مقاله «گفتمان ولایتعهدی امام رضا (ع) میان دو رویکرد زیست قدرت و زیست سیاست» (بشیر، ۱۳۹۲ ش)، «تحلیل گفتمان آیه تبلیغ در خطبه غدیر» (بشیر و همکاران، ۱۳۹۹ ش)، «تحلیل رویکرد ارتباطات امام باقر (ع) با فرقه زیدیه با بهره گیری از روش تحلیل گفتمان روایی پدام» (خانی و

گفتمان کاوی روایات امام صادق (ع) در خصوص کیفیت مواجهه با...، فتحیه فتاحی زاده و سیده زینب گلابگیر نیک ۱۳۳

همکاران، ۱۴۰۰ ش) و «کاربست روش تحلیل گفتمان در راستای فهم نصوص دینی و زمینه‌های صدور آن» (عترت دوست، ۱۴۰۰ ش) اشاره کرد.

با نظر به اینکه در بینش اسلامی ملاک مشروعیت، اذن خدای تعالی است و سلطان جائز کسی است که با قهر و غلبه و یا تزویر، بدون داشتن اذن از جانب خدای تعالی بر مردم حکومت می‌کند. بنابراین تمام سلاطینی که حکومت آنان مبنای شرعی ندارد و مأذون از جانب خداوند تعالی نیست، حاکم جور محسوب می‌شوند و در مسلمان یا غیر مسلمان بودن آنان تفاوتی وجود ندارد (اعرافی، ۱۴۰۰، ج ۱۰: ۴۵۱). در نوشتار حاضر با کاربرد روش تحلیل گفتمان پدام، ضمن تحلیل متن روایات در پنج فضای متفاوت، زمینه‌های صدور و شرایط فراگفتمانی این روایات نیز بررسی خواهد شد. داده‌های پژوهش حاضر شامل مجموعه روایات منقول از امام صادق (ع) است؛ که در مضامین آن گونه‌ای از مواجهه و کنشگری با حاکم جائز و دستگاه حکومتی وی تجویز شده است. تعداد روایات تحلیل شده ۲۱ حدیث و مبنای احصای آن نیز کتب حدیثی تا قرن پنجم هجری است که برخی با بسامد بیشتری در منابع منقول است و تلاش شده که بیشتر روایات با مضامین متعدد و نه تکراری، مورد مطالعه قرار گیرد.

۲. روش تحقیق

در روش تحلیل گفتمان بر پایه «پدام» دو عنصر «بافت» و «فرامتن»، در ایجاد و کشف معانی آشکار و پنهان فراتر از متن، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در واقع فهم روابط بینامتنی در درون و بیرون از نص حدیث، اساسی‌ترین عامل در کشف معانی گفته‌ها و ناگفته‌ها و تعیین دال‌های مرکزی و دیگر موارد مربوط است. در سطوح روش پدام برای تحلیل متون غیردینی، تبیین رابطه متن و فرامتن در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی... پنج سطح تعیین شده است؛ اما در تحلیل گفتمان «متون دینی» این پنج سطح به پنج فضا نام‌گذاری شده که منعکس‌کننده «فضای متنی و بینامتنی» مؤثر در خلق گفتمان روایی است. این پنج فضا عبارت‌اند از: فضای ساختاری، فضای معنایی، فضای ارتباطی، فضای گفتمانی و فضای فراگفتمانی (بشیر، ۱۳۹۵: ۲۷۷-۲۷۳).

در جدول پیش رو برای نمونه تحلیل یک حدیث در پنج فضای متفاوت قابل مشاهده است.

ردیف	متن حدیث	ترجمه	فضای ساختاری	فضای معنایی	فضای ارتباطی	فضای گفتمانی	فرآیند گفتمانی
۱	«عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سُلَيْمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَيُّهَا الْمُؤْمِنُ قَدْ مَوَّنَا فِي خَصْمِهِ أَلِي قَاضٍ أَوْ سُلْطَانٍ جَائِرٍ فَقَضَى عَلَيْهِ بِغَيْرِ حُكْمٍ اللَّهُ فَقَدْ شَرَّكَ فِي الْإِيمَانِ» (کلینی ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۱۱)	ابو عبد الله صادق (ع) گفت: هر کس به قاضی ناحق و یا حاکم ناحق شکایت کند و برادر مکتبی خود را به دادگاه آنان بکشد و آنان برخلاف حکم آسمانی الله قضاوت کنند، شاکي در گناه قاضی ناحق شریک و سهیم خواهد بود. (پهبودی، بی تا، ج ۶، ص ۲۱۸)	هشدار نسبت به پیامدنامیمون حکم قرار دادن قاضی و حاکم جائر	الزام عدم شکایت از برادر مومن به حاکم جائر	ضرورت تصدی امور مومنان توسط حاکم و قاضی عادل	گفتمانسازی برای لزوم سپردن حکمیت به امام عادل	عدم شایستگی قاضی و حاکم جائر برای قضاوت بر امور مومنان

۲-۱. فضای ساختاری

یکی از ویژگی‌های هر گفتمان «ساختمندی» آن است؛ به این معنا که واحدهای تشکیل دهنده آن‌ها را می‌توان به‌شکلی کارکردی به‌مثابه اجزای واحدهای بزرگ‌تری که ساختارهای پایگانی را به وجود می‌آورند، مورد استفاده قرار داد، فهمید و به تجزیه و تحلیل آن پرداخت (ون دایک، ۱۳۸۲، ص ۶۸). یکی از ابعاد بررسی ساختار متن، تفکیک واژگان آن به دو گروه هسته‌ای و غیرهسته‌ای است که واژگان هسته‌ای به آن دسته از شبکه واژگانی زبان اطلاق می‌شود که «بی‌نشان» هستند. این واژگان فقط نمادی از واقعیت هستند و به مصادیق تجریدی موضوع اشاره دارند، اما واژگان «نشاندار» افزون بر اشاره به یک مصداق خاص، نگرش نویسنده یا گوینده را در خود جای داده‌اند (یاراحمدی، ۱۳۹۱: ۶۶). در این میان، برخی واژگان نشاندار از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و به‌عنوان «دال مرکزی» شناخته می‌شوند. دال مرکزی یکی از اساسی‌ترین کارویژه‌های گفتمان در عرصه منازعات هژمونیک به‌ویژه در اجتماع و سیاست، هویت‌بخشی و تعیین معنا و تعلق یک مفهوم به یک گفتمان خاص است (جهانی‌نسب، ۱۴۰۱: ۱۰۳) نشانه‌ها و دال‌های دیگر با محوریت دال مرکزی انسجام می‌یابند. دال سیال که ساخته و پرداخته نظریه گفتمان لاکلا و موفه است، ابزار مناسبی برای نظم گفتمانی است که کنشگران مختلف محتوای متفاوتی ایجاد می‌کنند که معرف نظم‌های گفتمانی تلقی می‌شود. سیال بودن، مُعرف آن است که یک گفتمان، موفق نبوده معانی آن را تثبیت کند و گفتمان‌های دیگر در نزاع هستند تا آن را به تصاحب خود درآورند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۴۱ و ۲۴۲). درخصوص تحلیل

ساختارهای زبانی گفتمان نیز می‌توان از طریق مطالعه نحو، معنا، سبک و رتوریک (ابزارهای نظیر تکرار، کنایه، استعاره و...) و نیز بررسی ژانرهای معینی مانند قصه‌گویی یا جدال به این منظور دست یافت (ون دایک، ۱۳۸۲: ۷۹). با نظر به نکات یادشده در خصوص تحلیل واژگان هسته‌ای روایات مورد بررسی، «امام جائر» یا «سلطان جائر» و «عمل السلطان» را می‌توان به‌عنوان واژگان نشان‌دار در نظر گرفت که به‌نوعی نگرش و سوییۀ اندیشگانی امام را در بر دارد و تمامی عناصر نیز حول محور آن معنایی می‌شوند. عناصری که با شناخت و محوریت واژگان هسته‌ای برای خواننده مفهوم می‌شوند نیز شامل مفاهیمی نظیر «اعانت حاکم»، «اطاعت»، «جهاد»، «مشروعیت» و «صلاحیت» است. «دال مرکزی» نیز که به‌وضوح دربردارنده یک معنای ایدئولوژیک خواهد بود، با نظر به بافت موقعیتی و بررسی دیگر سطوح تحلیل نمایان خواهد شد.

در رابطه با ساختارهای زبانی روایات، به‌طور کلی اکثراً شاهد جملاتی با ساختار معلوم و دارای قطعیت و تأکید و نیز تبیین‌کننده نگرش‌ها در قالب جملات انشائی هستیم. محتوای مضامین روایات، شامل دستور به اقدام به عملی خاص، هشدار، تبیین، تصحیح و اصلاح ذهنیت مخاطب، نکوهش و عتاب و به‌ندرت در قالب پرسش است؛ برای نمونه: عَلِي بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ [وَعَلَى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ] عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «...إِنِّي لَأَرْجُو النَّجَاةَ لِمَنْ عَرَفَ حَقَّنًا مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِلَّا لِأَحَدٍ ثَلَاثَةٍ صَاحِبِ سُلْطَانٍ جَائِرٍ وَصَاحِبِ هَوًى وَ الْفَاسِقِ الْمُعْلِنِ ثُمَّ تَلَا قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۸، ۱۲۸).

ابتدای این روایت شریف که به‌لحاظ ساختاری حاوی هشدار نسبت به اعانت حاکم جائر است، با «ان» ی (تجربی + بینافردی) تأکید می‌شود. وجود «ان» و آوردن لام بر سر خبر آن نشان از قطعیت نجات‌یافتگی است که با تخصیص زدن این موضوع، مخاطب را نسبت به ادامه آن حدیث که آیا مشمول آن می‌شود یا نه حساس می‌کند. در ادامه با آغازگر متنی ساختاری (واو) بندهای هم‌پایه به هم مربوط شده و با «ثم» به‌لحاظ ساختاری با آیه شریفه ۳۱ سوره آل عمران، به‌عنوان بینامتنیت قرآنی مستند شده است. این بینامتنیت می‌تواند حاکی از این باشد که امام سه مورد مستثنی را از مصادیق عدم اتباع از رسول خدا (ص) و عدم صداقت در ادعای محبت به الله

دانسته‌اند و به‌نوعی، نجات‌یافتگی عارفان به حقانیت خود را منوط به عدم شمول در این موارد قلمداد کرده و این فرموده را با معیار کلام الهی منطبق کردند.

۲-۲. فضای معنایی

در خصوص تحلیل فضای معنایی روایات که افزون بر ظاهر الفاظ، معانی نهفته را نیز در بر گرفته و به‌نوعی جهت کلی گفتمان مورد نظر را نشان می‌دهد، ضمن توجه به ساختارهای زبانی به مضامین روایات، توجه ویژه‌ای شده و بررسی گزاره‌ها در احادیث حاکی از آن است که در حیطه معنایی با مجموعه‌ای از «هست‌ها» و «بایدها» در عرصه واقعیت‌های ایدئولوژیک و زندگی اجتماعی پیروان امام علیه السلام مواجهیم که به دلیل سیطره حاکم جائر از سوی امام علیه السلام تبیین می‌شود. دقت در این مضامین نشان می‌دهد افزون بر آنکه در پی ایجاد انگاره «عدم مشروعیت حاکم جائر» برای مخاطب است، غیریت‌سازی و تلاش برای مرزبندی و در اغلب موارد احتراز از آن را به انحاء گوناگون تجویز می‌کند. برای نمونه در روایتی منقول است: «أَبَى عَبْدُ اللَّهِ علیه السلام أَنْ أَبَاهُ كَانَ يَقُولُ مَنْ دَخَلَ عَلَى إِمَامٍ جَائِرٍ فَقَرَأَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ يَرِيدُ بِذَلِكَ عَرْضاً مِنْ عَرْضِ الدُّنْيَا لِعَنِ الْقَارِئِ بِكُلِّ حَرْفٍ عَشْرَ لَعَنَاتٍ وَلِعَنِ الْمُسْتَمِعَ بِكُلِّ حَرْفٍ لَعْنَةً» (منسوب به مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۶۲). لذا فضای معنایی روایت کاملاً حاکی از تبیین ارزش و ضدارزش در ترازوی معیار خدمت به حاکمیت عدل و جور است. بدیهی است که چنانچه این انگاره و لوازم کشمگری اجتماعی مقتضی آن در بخش قابل توجهی از شیعیان تثبیت شود، با تقویت قدرت نرم گفتمان حق، می‌تواند زمینه‌ساز تحولات اجتماعی به نفع این جبهه باشد. بررسی منازعات معنایی در بافتار موقعیتی زمان امام علیه السلام و چگونگی به فعلیت رسیدن آن در تحلیل فضای ارتباطی گفتمان روایی امام در این خصوص قابل مشاهده است.

۳-۲. فضای ارتباطی

گفتمان تجلی‌بخش و بیانگر و درعین حال شکل‌دهنده بسیاری از مشخصه‌های مرتبط با موقعیت اجتماعی فرهنگی است که آن را بافت می‌نامیم. آنچه بافت گفتمان را تشکیل می‌دهد، نشان‌دهنده آن است که بافت‌کاوی ممکن است همچون خود گفتار و نوشتار مورد مطالعه پیچیده و چندلایه باشد (ون دایک، ۱۳۸۲: ۶۶ و ۸۲).

۲-۳-۱. بافت موقعیتی اول: جریان حکومتی اموی و عباسی و راهبرد تقیه

فساد فراگیر بنی امیه، مخالفان بسیاری را به وجود آورده بود و حسّ انزجار و تنفر از آن‌ها، به خصوص از زمان واقعه کربلا و شهادت حضرت سیدالشهدا (ع) در میان اقشار مردم شدت یافت تا آنجا که به دنبال آن قیام‌هایی صورت گرفت و مبارزه علیه خلفای بنی امیه را وارد مرحله‌ای جدی کرد؛ به گونه‌ای که مردم بین موضوع اسلام و دستگاه خلافت اموی، تفکیک قائل شدند (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۰۶). هرچند با سقوط امویان و در حدّ فاصل انتقال قدرت از بنی امیه به بنی عباس، به نوعی تنفس سیاسی برای جریان علویان ایجاد شد، بعد از تثبیت سیاسی و استقرار بنی عباس، بازهم فضای تهدید و ارباب متوجه امام (ع) بود، به گونه‌ای که گزارش‌های متعدد تاریخی حاکی از تقیه امام (ع) در برابر خلیفه و توصیه و تأکید به رازپوشی به شیعیان ایشان است. برای نمونه جنگجویانی که به رهبری ابومسلم خراسانی برای روی کار آمدن عباسیان می‌جنگیدند به «مسوده» شناخته می‌شدند (مشکور، ۱۳۷۵: ۴۱۱) و پس از آن نیز جامه سیاه، نشان عباسیان بود. در این راستا بنا بر نقل صدوق، امام صادق (ع) در «حیره بودند که فرستاده سفاح برای ایشان لباس بارانی فرستاد که یک طرف آن سفید و طرف دیگر آن سیاه بود. امام (ع) آن را پوشید و فرمود: «من آن را می‌پوشم در حالی که می‌دانم لباس اهل آتش است» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۴۷). در واقع موضوع «تقیه» از جمله راهبردهای مهم شیعه امامیه است که بنا به شرایط و تنگناهای سخت اجتماعی سیاسی ادوار حضور ائمه (ع) به عنوان توصیه‌ای اکید در دستور کار قرار گرفت.

۲-۳-۲. بافت موقعیتی دوم: رخداد قیام‌های سیاسی گوناگون

سه قیام بسیار مهم در زمان امام صادق (ع) به وقوع پیوست: ۱. قیام زید بن علی؛ ۲. قیام محمد نفس زکیه؛ ۳. قیام عباسیان به فرماندهی نظامی ابومسلم و ابوسلمه؛ که نحوه مواجهه امام صادق (ع) با هریک از این قیام‌ها متفاوت بود. در رابطه با قیام زید بن علی و موضع امام (ع) در خصوص قیام او، گزارش‌های متفاوتی از رضایت و عدم رضایت ایشان رسیده است. مضمون برخی روایات حاکی از آن است که قیام زید به نوعی مورد تأیید امام صادق (ع) بوده است (ابن بابویه، بی تا، ج ۱: ۲۴۸ و ۲۴۹). اما برخی مدعی اند که عدم حمایت امام (ع) بر کسی

پوشیده نبوده و به دلیل اطلاع از این موضوع توسط دستگاه خلافت، پس از کشته شدن زید و یحیی، مزاحمتی از سوی حکومت برای امام ایجاد نشد» (پاکتچی، ۱۳۸۶، ج ۱۸: ۱۸۴).
در خصوص قیام نفس زکیه و جریانی که در رابطه با بیعت بنی هاشم با او رخ داد نیز امام علیه السلام به صراحت کسانی را که در ابواء به این منظور جمع شده بودند و او را «مهدی» می پنداشتند مخالفت کرد و فرمود چنین نکنید، هنوز وقت این امر (یعنی ظهور مهدی) نیست، اما پدر او این خیرخواهی امام را با عنوان حسادت به پسرش تلقی کرد (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۹۰-۱۹۲).
در رابطه با قیام های ابو مسلم و ابوسلمه نیز پاسخ منفی امام و عدم پذیرش دعوت ابو مسلم بی تردید رخ داده است. چنان که وی به ایشان پیام داد که ما مردم را به موالات شما دعوت می کنیم، اگر راغب باشید من با شما بیعت می کنم و امام علیه السلام در پاسخی عمیق، به صراحت و بی تأمل فرمودند: «تو از مردان من نیستی و زمانه هم زمانه من نیست» (عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۴۱).

به نظر می رسد روایاتی که به نوعی به لزوم شناخت و اطاعت از امام حق تأکید می کند، در این راستا فهم می شود؛ برای نمونه: «... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَعَذِّبَ أُمَّةً دَانَتْ بِإِمَامٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةٌ تَقِيَّةٌ وَإِنَّ اللَّهَ يَسْتَحْيِي أَنْ يَعَذِّبَ أُمَّةً دَانَتْ بِإِمَامٍ مِنَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ فِي أَعْمَالِهَا ظَالِمَةٌ مُسِيئَةٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۷۶). فضای ارتباطی این حدیث شریف نشان از تبیین ارتباط وثیق نوع ولایت پذیری (الهی یا غیرالهی) با فرجام امم است.

۳-۳-۲. بافت موقعیتی سوم: وجود انگاره امام به عنوان پیشوای معنوی و نه خلیفه سیاسی

از دوره امام صادق علیه السلام و گسترش و نهادینه شدن آموزه های شان، به تدریج تفکیک مقام امامت از قدرت سیاسی در ذهن اکثریت جامعه شیعی نهادینه شد. البته آموزه های یاد شده لزوماً در آغاز به منظور معرفت بخشی به شیعیان نبود، بلکه گاه می تواند به نوعی پاسخ ایشان در واکنش به گرایش های سیاسی و قیام خواهی برخی از آنان محسوب شود. چنان که گسترش و تأکید بر گفتمان «قائم آل محمد» یا «امام قائم» نیز در این راستا ارزیابی می شود. در واقع این گفتمان

گفتمان کاوی روایات امام صادق (ع) در خصوص کیفیت مواجهه با...، فتحیه فتاحی زاده و سیده زینب گلابگیر نیک ۱۳۹

به لحاظ اجتماعی واکنشی بود به مطالبه قیام علیه حاکمان جور که از جانب بخش قابل توجهی از شیعیان مطرح می شد. نتیجه طرح چنین گفتمانی، ضمن آنکه تأثیر فروکاهنده ای بر گرایش های مبارزه طلبانه برخی شیعیان در آن مقطع زمانی خاص داشت، بر لزوم ایجاد خیزش های شیعی در فرصت مناسب و با فرماندهی آگاه تأکید می کرد (گرامی، ۱۳۹۶: ۱۱۵).

۲-۳-۴. بافت موقعیتی چهارم: موضع برخی دانشمندان معاصر امام (ع) در خصوص مواجهه با حاکم جائر

برخی بر این باورند که حاکم جائر در منابع اهل سنت، مذموم شمرده شده است؛ با وجود این، فقهای این مذهب اطاعت از حاکم جائر را امری ضروری دانسته و وجوب اطاعت از وی فتوا داده اند. آنان جهاد در رکاب حاکم جائر را جایز و اغلب در خصوص پرداخت زکات به او، حکم داده اند. عدم سنخیت و تنافی روایات موجود در منابع اهل سنت و آرای یادشده را نیز حاکی از تکوین این آراء در طول تاریخ دانسته اند که برگرفته از عمل و رفتار سیاسی خلفای اهل سنت بوده است؛ به گونه ای که رفتار سیاسی خلفای نخستین بر عملکرد و مشی سیاسی خلفای بنی امیه و بنی عباس تأثیر بسیاری داشته است. لذا نظریه وجوب اطاعت از حاکم جائر را افزون بر مجموعه ای از عوامل زمینه ساز این اندیشه، به نوعی مولود سازش شریعت و واقعیت سیاسی مسلمانان دانسته اند (میرعلی، ۱۳۹۱: ۱۴۲).

پرواضح است در جامعه ای که اکثریت آن را اهل سنت و جماعت تشکیل می دهند، به موازات آرای علمی و کنشگری در عرصه سیاسی فقهی امام به عنوان عالم و فقیه برجسته خاندان رسالت (ع)، نظرات و فتاوی علمای اهل سنت نیز مطرح شده و نباید در تحلیل ها مغفول واقع شود. بدیهی است که بررسی تفصیلی اندیشه سیاسی فقهی علمای اهل سنت در این خصوص و فرایند تحولات در این عرصه از حیثه این پژوهش خارج است و مقالات متعددی نیز با این موضوعات به طبع رسیده است.

اما اجمالاً شایان یادکرد است که ابوحنیفه به عنوان فقیهی مخالف با فساد دستگاه حکومت، با دیدگاه های اعتقادی خاص خود، بسیار مورد توجه جناح های مخالف حکومت، غیر از خوارج قرار گرفت. (پاکتچی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۳۸۱). وی در جریان قیام زید بن علی (ع) در سال های ۱۲۱-

۱۲۲ق پنهانی او را یاری نمود و مال و جنگ افزار در اختیارش قرار داد (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۲۳۹). ابوحنیفه شخصیتی است که همواره طرفدار وحدت جامعه اسلامی بوده و از بروز آشوب های اجتماعی و فتنه های سیاسی ابراز نگرانی کرده است. او در حوزه سیاسی اجتماعی بالاینکه به جواز شورش علیه حاکم ظالم حکم می کند، به هیچ روی راضی نیست که این شورش به قیمت از دست رفتن وحدت اسلامی و بروز فتنه انجام پذیرد. وی بالاینکه به شمشیرگرایی متهم است، طرفدار امنیت سیاسی اجتماعی نیز هست (علیخانی و فلاحی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۷۱ و ۷۲).

اما درخصوص مالک بن انس، چنان که نقل شده، در پاسخ به استفتاء در مورد بیعت با نفس زکیه به دلیل اکراه مدنیان از بیعت با عباسیان، پابندی به آن را الزام آور ندانسته است (قاضی عیاض، ۱۳۸۴ق، ج ۱: ۱۶۶ و ۱۶۷). مبنای اندیشه مالک در مسئله سیاست و حکومت را باید در مواضع او درباره خلفای نخستین و منازعات صحابه جست و جو کرد که در آن باره بر پیروی از سنت شیخین به عنوان دو خلیفه مورد اتفاق جناح های مختلف اهل سنت تأکید داشت، اما فضیلت آنان را نیز در عرصه سیاستشان به رعایت عدالت می دید و مواجهه ای مطلق نگر نداشت. فراتر از خلفای چهارگانه ستایش های همیشگی مالک از عبدالله بن عمر، حکایت از جنبه دیگری از سیاست دارد که برای مالک اهمیت بسیار داشته و آن پرهیز از خون ریزی و تفرقه میان مسلمانان است و این پرهیز به اندازه ای برای او اصالت دارد که با وجود مشروع ندانستن حکومت یک حاکم در صورت ترس از جنگ داخلی و خون ریزی، پیروی از خلیفه نامشروع را بر دست بردن به سلاح ترجیح می نهاده است (پاکتچی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۰۵).

سفیان بن سعید بن مسروق ثوری نیز فقیه و از علمای اهل حدیث در زمان سلیمان بن عبدالملک است که در کوفه متولد شد (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۶: ۳۷۱). وی از حامیان نفس زکیه بود و آرزوی قیام وی را داشت و او را «مهدی» می خواند و می گفت اگر خدا خیر امت را بخواهد امرش را در نفس زکیه قرار می دهد (ابوالفرج الاصبهانی، بی تا: ۱۸۴) و چنان که نقل شده است وی از یک سو خلفای عباسی را غاصب می دانسته و نصیحت حاکم را وظیفه علما می دانسته و از سوی دیگر، در گفتار و کنش های وی نوعی مدارای اجتماعی و تساهل سیاسی قابل مشاهده است؛ چنان که یاران خود را به مسالمت با مردم فرا می خوانده و از ضرورت وجود حاکم در جامعه (چه نیک چه بد) سخن می گفته است (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۲۵۴ و ۱۲۵۵).

برایند بررسی آراء دانشمندان اهل سنت معاصر با امام حاکمی از آن است که هرچند حاکمیت جائز امری مذموم در فضای اهل جماعت بوده، اساساً به دلیل اختلاف در مبانی، اصول و شرایط واجدین شرایط حاکمیت جامعه اسلامی اختلاف نظرهایی وجود داشته است که در عرصه عمل نمودار بود. یکی از آن موارد، حمایت برخی از فقهائ اهل جماعت از قیامهایی بود که امام (ع) از آن پشتیبانی نکردند؛ دلایلی نظیر اختلاف در مبانی اصولی و وجود التقاط در افکار و پیروان آنها و نیز سوء استفادههایی که در آن عرصه صورت می گرفت؛ چنان که امام (ع) فرمودند: «قَالَ (عَزَّ وَ جَلَّ): «وَمَنْ جَاءَ بِالسِّيَةِ فَكَبْتُ وَجُوهَهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» وَإِنَّمَا أَرَادَ بِالسِّيَةِ إِنْكَارَ الْإِمَامِ الَّذِي هُوَ مِنَ اللَّهِ (تَعَالَى). ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): مَنْ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِوَلَايَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَ جَاءَ مُنْكَرًا لِحَقِّنَا جَاحِدًا بِوَلَايَتِنَا، أَكَبَّهُ اللَّهُ (تَعَالَى) يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي النَّارِ» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۱۸).

نکته قابل توجه در مضامین روایات امام (ع) در این خصوص، تقابل جدی گفتمان امامیه با جریان مرجئه است که با مکلف دانستن پیروان در برابر شرایط موجود و مطالبه واکنش فعالانه اعم از سلبی و ایجابی در این زمینه، عملاً اعتراض خود را به این اندیشه نشان می دهد.

در خصوص بررسی نوع کاربرست رویکردهای ارتباطی در این حوزه، به جز یک مورد توصیه که رویکرد استحضاطی را نشان می دهد، رویکرد تدافعی و تبیینی را در غالب روایات شاهد هستیم. تحلیل فضای ارتباطی احادیث حاکمی از تبیین رابطه وثیق «اطاعت»، «اعانت»، «معیارهای ارزش گذاری عمل انسان» و «فرجام امور» با شناخت امام حق و عادل و حاکم جائز و نوع کنشگری در این خصوص است که کیفیت روابط و موارد استثنای آن نیز در روایات گوناگون قابل مشاهده است؛ چنان که حدید بن حکیم از دی نقل می کند که فرمودند: «اتَّقُوا اللَّهَ وَ صُوبُوا دِينَكُمْ بِالْوَرَعِ وَ قُوَّةٍ بِالنَّيَّةِ وَ الْإِسْتِغْنَاءِ بِاللَّهِ عَنْ طَلَبِ الْحَوَائِجِ إِلَى صَاحِبِ سُلْطَانٍ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ مَنْ خَضَعَ لِصَاحِبِ سُلْطَانٍ أَوْ لِمَنْ يَخَالِفُهُ عَلَى دِينِهِ طَالِبًا لِمَا فِي يَدِهِ مِنْ دُنْيَاةٍ أَخَمَلَهُ اللَّهُ وَ مَقَّتَهُ عَلَيْهِ وَ وَكَلَهُ إِلَيْهِ فَإِنْ هُوَ غَلَبَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ دُنْيَاةٍ فَصَارَ إِلَيْهِ مِنْهُ شَيْءٌ نَزَعَ اللَّهُ الْبَرَكَهَ مِنْهُ وَ لَمْ يَأْجُرْهُ عَلَى شَيْءٍ يَنْفَعُهُ فِي حَيٍّ وَ لَا عَتَقَ وَ لَا بَرَّ» (همو، ۱۳۶۵ش: ۳۳۰) اما مواردی نیز استشنا واقع شده است، مانند: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَخِيهِ جَعْفَرِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الدُّخُولِ فِي عَمَلِ السُّلْطَانِ فَقَالَ هُمْ الدَّاخِلُونَ عَلَيْكُمْ أَمْ أَنْتُمْ

الدَّٰخِلُونَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ لَا بَلْ هُمُ الدَّٰخِلُونَ عَلَيْنَا قَالَ فَمَا بَأْسُ بِذَلِكَ» (منسوب به مفید، ۱۴۱۳: ۲۶۱)؛ که بر این مبنا لزوم اثرگذاری پیروان و نه تأثیرپذیری آنان از ساختار ظالمانه را نشان می‌دهد.

۲-۴. فضای گفتمانی

برای بررسی ساختار معنایی یک گفتمان باید آن را در مقابل ساختار معنایی گفتمان رقیبش قرار داد و نقاط درگیری و تفاوت‌های معنایی را پیدا کرد. در واقع باید حداقل دو گفتمان متخاصم شناسایی شود که باهم رابطه غیریت‌سازانه برقرار کرده‌اند. گفتمان‌ها همواره به واسطه دشمن معنا پیدا کرده و نظام معنایی خود را بر آن اساس تنظیم می‌کنند (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۶۱).

با نظر به نکته فوق برای تحلیل فضای گفتمانی روایات با نظر به بافت موقعیتی، شرایط سیاسی اجتماعی و فرهنگی زمان امام صادق (ع)، جریان‌های رقیب در دو عرصه سیاست و فرهنگ بررسی می‌شود.

۲-۴-۱. رقابت گفتمانی در عرصه سیاست و مشروعیت

در خصوص رقابت گفتمانی در عرصه سیاست و مشروعیت، باید به جریان‌هایی که هرکدام در فضای سیاسی - اجتماعی عصر امام صادق (ع) وجود داشتند و گفتمانی خاصی را نمایندگی می‌کردند، اشاره شود. در واقع گفتمان‌های رقیب بر مبنای یک چارچوب نظری خاص، در رابطه با مصداق مفهوم «حاکمیت مشروع» و متقابلاً «حاکم جائر» واکنش متفاوتی داشتند که در ادامه به اجمال معرفی می‌شوند.

۲-۴-۱-۱. حاکمیت اموی

هرچند عادات دیرینه اعراب و پابندی آنان به سنن ریشه‌دار قبیله‌ای در تحکیم اقتدار اموی نقش تعیین‌کننده‌ای داشت، بنی‌امیه در طول حدود یک قرن حکومت خود بر جامعه اسلامی مبانی و اندیشه‌هایی را پی‌ریزی کردند و با برخورداری از پشتیبانی ایدئولوگ‌ها و نظریه‌پردازان، زمینه تحمیل مشروعیت خود را فراهم آوردند. در واقع خلفای اموی برای تأمین وجهه شرعی خود، چهار موضوع را در دستور کار خود قرار دادند:

اول: پناه بردن به سنت‌های عربی قبل از اسلام؛

گفتمان کاوی روایات امام صادق (ع) در خصوص کیفیت مواجهه با...، فتحیه فتاحی زاده و سیده زینب گلابگیر نیک ۱۴۳

دوم: پیوند دادن خود به سومین خلیفه از خلفای راشدین؛

سوم: رواج اندیشه‌هایی چون ارجا، تفکیک ایمان از عمل و جبر؛

چهار: تفکر برابری صحابه و یکسان دانستن آن‌ها (ولوی، ۱۳۸۰: ۱۴۸ و ۱۵۴).

در این میان، گروه‌های مرجئه به‌رغم برخی اختلافاتی که با یکدیگر داشتند، در برابر فرمانروایان اموی وضع رضایت‌مندانه‌ای داشته و بر پایه این دیدگاه خلفای اموی، حتی آنان که به فسق و گناه منسوب بودند، قانونی محسوب می‌شدند و چون با آنان بیعت صورت گرفته بود، اطاعتشان نیز واجب بود (نجاح، ۱۳۸۵: ۲۸)؛ چنان‌که مسلم در باب «وجوب ملازمة جماعة المسلمين عند ظهور الفتن و فی کل حال و تحریم الخروج علی طاعة ومفارقة الجماعة» کتاب صحیح خود از رسول خدا (ص) نقل کرده است که فرمود: «کون بعدی ائمة لا یهدون بهدای ولا یستنون بسنتی و سیقوم فیهم رجال قلوبهم قلوب الشیاطین فی جثمان انس. قال: قلت: کیف اصنع یا رسول الله ان اردت ذلک؟ قال: تسمع و تطیع للامیر و ان ضرب ظهرك و اخذ مالک فاسمع و اطع» (مسلم، ۱۳۷۴ق، ج ۳: ۱۴۷۶).

به نظر می‌رسد روایتی نظیر این حدیث شریف که نقل است: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ وَ سُئِلَ عَنِ الْحَدِيثِ الَّذِي جَاءَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ مَا مَعْنَاهُ قَالَ هَذَا عَلَى أَنْ يَأْمُرَهُ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ وَ هُوَ مَعَ ذَلِكَ يَقْبَلُ مِنْهُ وَ إِلَّا فَلَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۸) به‌نوعی سوییۀ ایجابی مواجهه و تقابل با گفتمان اموی است که امام در مقام هدایت‌گری و تثبیت گفتمان امامی مورد تأکید قرار دادند و ازسوی دیگر، روایات دیگری که کسب مال از قبل دستگاه حاکم جائر را حرام دانسته و منع کرده است (مانند: و العمل لهم و الکسب معهم بجهة الولاية لهم حرام محرم، معذب من فعل ذلك علی قليل من فعله أو كثير؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۳۲) نیز سوییۀ سلبی و فعالانۀ این گفتمان محسوب می‌شود.

۲-۴-۱-۲. خوارج

خوارج گروهی هستند که در جنگ صفین ابتدا حکمیت را به امام تحمیل نمودند و بعد با اینکه ابن عباس حکم باشد مخالفت کردند و با گزینش ابوموسیٰ اشعری و تحمیل او به امام (ع)، درنهایت به رأی او نیز راضی نشده و اصل موضوع حکمیت را زیر سؤال بردند و با استناد به

«لا حکم الا الله» بر امیرالمؤمنین علیه السلام خروج کردند (شهرستانی، بی تا، ج: ۱، ۱۱۵) خوارج برخلاف نظر مرجئه به کفر بنی امیه و هواداران آنها اعتقاد داشتند؛ زیرا آنان را مرتکب گناه کبیره می دانستند (نجاح، ۱۳۸۵: ۲۹).

این گروه به تدریج از جریان سیاسی به جریان دینی کلامی تبدیل شدند؛ از این رو خوارج سیاسی بر خوارج کلامی تقدم دارند. با وجود انشعابات گوناگون در خوارج، برخی از آموزه های مشترک را می توان برای کلام سیاسی خوارج برشمرد. نخستین مسئله آنان ایمان و کفر بود. آنها غالباً جز برخی گروه های متأخر، مرتکب کبیره را کافر می دانستند. تأثیر سیاسی این امر موضوع آن است که فرد با ارتکاب گناه کبیره از عضویت در جامعه اسلامی نیز خارج شده و هیچ حقوقی در آن جامعه نخواهد داشت. از دیدگاه آنان، امر به معروف و نهی از منکر در همه درجات واجب است حتی اگر به قتال بینجامد و برای پیکار با کسانی که آنها را کافر می شمردند، هیچ قید و شرطی نمی شناختند که این آموزه در عرصه زندگی سیاسی، مستلزم نظارت شدید بر رفتار فردی اجتماعی افراد بود. یکی از مراتب امر به معروف از دیدگاه آنان، وجوب خروج علیه حاکم جائز و جنگ با وی است (فیرحی، ۱۳۸۷: ۱۳۵). این حدیث شریف نیز در رابطه با نوع مواجهه با خوارج در این حوزه است که مبتلا به پیروان امام بود: «عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ علیه السلام قَالَ: ذُكِرَتِ الْحُرُورِيَّةُ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ إِنْ خَرَجُوا مَعَ جَمَاعَةٍ أَوْ عَلَى إِمَامٍ عَادِلٍ فَقَاتِلُوهُمْ وَ إِنْ خَرَجُوا عَلَى إِمَامٍ جَائِرٍ فَلَا تَقَاتِلُوهُمْ فَإِنَّ لَهُمْ فِي ذَلِكَ مَقَالًا» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۶۰۳) این موضوع نشان از گفتمان سازی در خصوص شناخت مؤلفه های معیار، در محاسبات راهبردی و ملاحظات مواجهه با دشمن است.

۲-۴-۱-۳. حکومت بنی عباس

اولین و مهم ترین مشکل عباسیان کسب مشروعیت بود. هرچند از آن رو که از بنی هاشم محسوب می شدند، چالش کمتری نسبت به بنی امیه داشتند؛ اما در راه کسب این مهم، با رقیبی بسیار قدرتمند - به لحاظ ویژگی های کاریزمائی - مواجه بودند: سادات بنی الحسن و سادات بنی الحسین علیهما السلام (ولوی، ۱۳۸۰: ۱۶۷)؛ لذا عباسیان سیاست و دین را به هم آمیختند و در این خصوص نیز با امویان تفاوت داشتند. امویان متهم به توجه به امور دنیوی بودند، اما عباسیان

گفتمان کاوی روایات امام صادق (ع) در خصوص کیفیت مواجهه با...، فتحیه فتاحی زاده و سیده زینب گلابگیر نیک ۱۴۵

اعلان کردند که می خواهند سنت را احیا کنند و عدالت را برپا دارند؛ لذا علما و فقها دور ایشان را گرفتند. آنان عبای پیامبر (ص) را به عنوان علامت قدرت دینی شان به تن کرده و از اندیشه «مهدویت» بهره بردند و به نظریه امامت که محور عقیده و تبلیغاتشان بود، تکیه کردند (طقوش، ۱۳۸۰: ۳۸). اما دیری نپایید که تاریخ شاهد چرخش سریع خلفای بنی عباس از تکیه بر دیدگاه های شیعی به نقطه نظرهای علمای اهل سنت و جماعت بود. بدیهی است که اگر آنان بر دیدگاه های اصیل شیعه که امامت و وصایت را متعلق به امام علی (ع) می داند پایدار می ماندند، ناگزیر از اعتراف به حقانیت رقبای خود بودند؛ لذا منصور عباسی تداوم اقتدارش را اتکا به اقتدار سنتی و عامیانه علمای سنت و جماعت یافت و تأمین نمود (ولوی، ۱۳۸۰: ۱۶۸ و ۱۶۹).

با نظر به نکات یادشده و همراهی برخی از گروه های شیعی با بنی عباس در جریان قیام ها علیه امویان، و در نهایت تصاحب قدرت توسط عباسیان که هاله ای از تقدس را نیز در اذهان عموم برای خود تأمین کرده بودند، منطقی است که مجموعه ای از روایات را نیز در تقابل با این گفتمان برساخته بنی عباس و تبیین گفتمان اصیل امامت شیعی که مدعی حاکمیت عادل و امامت بر حق است، تحلیل کنیم. «لزم شناخت امام و اطاعت از وی» و در مقابل «عدم اطاعت از حاکم جائر» به انحای گوناگون در شرایط حاکمیت جائر، در این راستا قابل فهم است.

۲-۱-۴-۲. رقابت گفتمانی در عرصه علمی و فکری فرهنگی

۲-۱-۴-۲. ۱-۲-۱-۴-۲. علمای اهل سنت

چنان که از نظر گذشت، بنی عباس کوشیدند با سوء استفاده از موقعیت و جایگاه فقها در جامعه اسلامی، خلأ ایدئولوژیک خود را تأمین کنند. آنان برخی افراد نظیر «ابوحنیفه» و «مالک بن انس» را که به نوعی شاگرد امام صادق (ع) نیز محسوب می شدند، در برابر مکتب امام (ع) بر مسند فتوا و فقاہت نشاندند و مرجع مردم معرفی کنند (پیشوایی، ۱۳۸۷: ۴۰۰).

یکی از راهبردهای تحلیل گفتمان «استراتژی چندصدایی» است که مشتمل بر به تصویر کشیدن شرح صداها با منطقی های گفتمانی است. این استراتژی مبتنی بر فرض تحلیل گفتمان در خصوص میان متنیت است و هر گفته ای به نحوی گریزناپذیر، متکی، حاوی و یا در تعارض با گفته های پیشین است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۳: ۲۴۷). لذا با نظر به این نکته به وضوح

می‌توان دانست که «فقه جعفری» در برابر دانش دیگر فقهای رسمی زمان امام صادق علیه السلام ضمن آنکه گویای تفاوت در باورها نسبت به مکاتب موازی خود بود، دو مفهوم معترضان نیز در بر داشت. اولین و مهم‌ترین نکته، اثبات بی‌بهره بودن حاکمیت از آموزه‌های دینی و ناتوانی در مدیریت امور فکری مردم و درواقع عدم صلاحیت آن برای تصدی امر خلافت بود. و دوم با بیان فقه و معارف اسلامی به روشی غیر از شیوه عالمان حکومت، به معارضا با حاکمیت پرداخته و بدین ترتیب تمام تشکیلات مذهبی و فقهی رسمی را که بازوی ایدئولوژیک حکومت محسوب می‌شد، تخطئه می‌کرد (پیشوایی، ۱۳۸۷: ۳۶۸)؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام در گفت‌وگوی میان یاران خود، با بهره‌گیری از عامل «ناآگاهی خلفا از دین» آن را به‌عنوان دلیلی بر اینکه از نظر اسلام، آنان حق حکومت ندارد، نام برده و به عبارتی همان مفهوم معترضان را آشکارا بیان کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۸۱ و ۸۲). در حدیثی از منقول است که فرمود: «وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ بَشِيرٍ الْعَطَّارِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ نَحْنُ قَوْمٌ قَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا وَأَنْتُمْ تَأْتُمُونَ بِمَنْ لَا يَعْدُرُ النَّاسَ بِجَهَالَتِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۸۶).

در مقام تحلیل مجموعه مضامین روایات در این خصوص، باید گفت که این موضوع در احادیث متعدد با قرآن و نقل از آباء بزرگوار ایشان مستند شده است. این نکته ضمن اینکه حاکی از پشتوانه‌های نقلی این گفتمان است، اصول اجتهادی امام علیه السلام را به‌عنوان یکی از فقهای زمان نمایان می‌سازد، در صورتی‌که در گفتمان‌های رقیب و ناهمسو (فقهای اهل جماعت و خوارج)، این امتیاز در مواردی به‌دلیل اجتهادهای شخصی و مصلحت‌اندیشی‌ها خدشه‌دار شده است.

۲-۴-۱-۲-۲. گروه‌های مختلف شیعی

در نگاهی کلی، شیعیان معاصر با زمان امام صادق علیه السلام به دو گروه عمده قابل تقسیم بودند: اول گروهی که بر راهبرد دفاع تأکید کرده و با مبارزه در قالب فرهنگی و عقیدتی، سعی در متزلزل کردن پایه‌های مشروعیت اقتدار سیاسی امویان بودند که بعدها به قطعیه (شیعیان امامیه اثنا عشری) شهرت یافتند و رهبری آنان را ائمه از فرزندان حسین بن علی علیه السلام بر عهده دارند؛ جناح دوم که در قالب کیسانیه و زیدیه بودند، مبارزه خود را به‌شکل علنی و با قیام‌های پی‌درپی و

گفتمان کاوی روایات امام صادق (ع) در خصوص کیفیت مواجهه با...، فتحیه فتاحی زاده و سیده زینب گلابگیر نیک ۱۴۷

مسلحانه علیه اقتدار اموی پیگیری می کردند. اما محور مباحث کلامی این عهد نزد شیعه - از جناح های گوناگون - موضوع امامت و رهبری و اهتمام به متزلزل ساختن پایه های مشروعیت اقتدار اموی است. نکته حائز اهمیت آن است که شیعیان در عصر اموی این مناقشه عقیدتی را صرفاً با مخالفان نشان (خوارج، مرجئه، قدریه و مجبره) نداشتند، بلکه خود هم گرفتار اختلافات دامنه داری بودند (ولوی، ۱۳۸۰: ۱۶۳).

در این میان، اجتناب امام (ع) از مداخله در قیام ها و تصاحب قدرت با وجود اینکه جدی ترین و شایسته ترین گزینه رهبری جامعه در صورت پیروزی آن ها محسوب می شدند، و ازسوی دیگر وجود روایاتی قابل اعتنا در خصوص مواجهه فعالانه و نه لزوماً مسلحانه با حاکم جائر، چگونه قابل تحلیل است؟ در واقع اگر امام (ع) در آن دوره چنین مصلحت می دید که صرفاً مقام خود را به عنوان پیشوای معنوی که قصد دخالت در ماجراجویی های سیاسی را ندارد، در اذهان تثبیت نماید (گرامی، ۱۳۹۶: ۱۱۷)، این تعداد و مضامین معتنابهی از روایات در خصوص مواجهه فعالانه با حاکم جائر به چه معناست؟ روایاتی نظیر اینکه فرمود: «عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي الْجَهْمِ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ قَالَ: بَعَثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِلَى أَصْحَابِنَا فَقَالَ قُلْ لَهُمْ إِيَّاكُمْ إِذَا وَقَعَتْ بَيْنَكُمْ خُصُومَةٌ أَوْ تَدَارَى بَيْنَكُمْ فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَخْذِ وَالْعَطَاءِ أَنْ تَحَاكُمُوا إِلَيَّ أَحَدٍ مِنْ هَؤُلَاءِ الْفَسَاقِ اجْعَلُوا بَيْنَكُمْ رَجُلًا مِمَّنْ قَدْ عَرَفَ حَلَالَكَ وَحَرَامَنَا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ قَاضِيًا وَ إِيَّاكُمْ أَنْ يَخَاصِمَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا إِلَى السُّلْطَانِ الْجَائِرِ» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۳۰۳)؛ چنان که مشهود است امام (ع) با دستور به جایگزین قرار دادن حکمی از میان پیروان خود در منازعات میان شیعیان و عدم مراجعه به سلطان جائر و یا اعمال او، در واقع یک واکنش فعالانه سلبی را از ایشان انتظار دارند که عدم جواز و مشروعیت حکمیت جائر و وابستگان به دستگاه حکومتی را نیز نشان می دهد.

در مقام تحلیل فضای گفتمانی گروه های شیعی، به نظر می رسد این موضوع ابعاد متفاوتی دارد: الف) از یک بعد می بایست این روایات را حاکی از اهتمام بسیار امام (ع) به مباحث معرفتی، شناختی و فرهنگی را به مسیری برای دستیابی به حکومت دینی دانست، که به عبارتی امامتی که از سیاست فرهنگی درنهایت به سیاست مصطلح می رسد (جعفریان، ۱۳۹۰: ۴۵۲)؛ ب) ازسوی دیگر نشان از برجسته سازی مبانی گفتمانی شیعه امامیه در مقابل دیگر جریان های

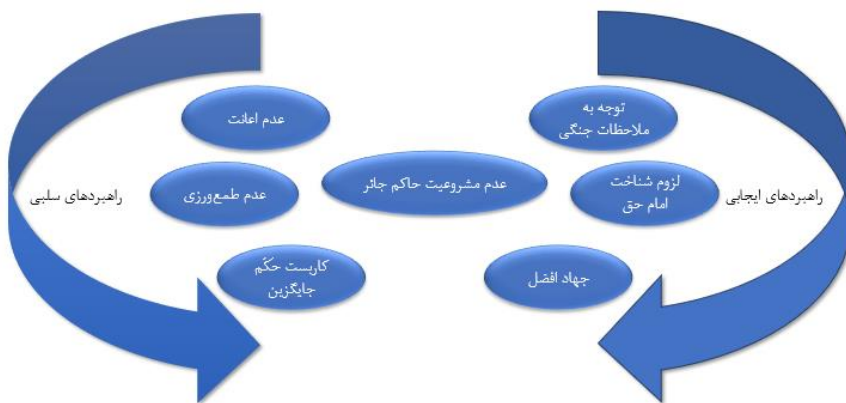
شیعی دارد. در واقع هرچند امام علیه السلام به عنوان رهبری این جریان گفتمانی با قیام‌ها علیه حاکمیت اموی و عباسی همراهی نکردند، این موضع نه به معنای نفی کلی هرگونه قیام و فعالیت سیاسی علیه حاکمان جائر، بلکه به معنای عدم صحت آن قیام‌ها از جوانب گوناگون بود که با مبانی اصیل گفتمان و شرایط جامعه شیعی آن زمان تناسب نداشت؛ چنان‌که امام علیه السلام در پاسخ به دعوت ابو مسلم و اعلام آمادگی او برای بیعت با امام فرمودند: «تواز مردان من نیستی و زمانه هم زمانه من نیست» (عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۴۱)؛ ج) از دیگر سو، بدان سبب که دستور و توصیه به یک باور، یک مقوله و پذیرش و باورمندی به آن به عنوان یک اندیشه درونی مقوله دیگری است (گرامی، ۱۳۹۶: ۴۹)، با توجه به کنش‌ها و جریان‌های متعددی که در جامعه وجود داشت، جامعه شیعی (پیروان امام) با یک سری ابهامات فکری و بلا تکلیفی‌ها و حتی در مواردی اشتباهاتی در خصوص نوع وظیفه خود در شرایط حاکم مواجه بود. در چنین شرایطی پیروان امام علیه السلام نیز نیازمند طرح این مبانی از سوی ایشان بودند؛ چنان‌که برخی از احادیث نیز در پاسخ به سؤال مخاطبان ایراد شده است. نظیر این حدیث شریف: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَخِيهِ جَعْفَرِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الدُّخُولِ فِي عَمَلِ السُّلْطَانِ فَقَالَ هُمُ الدَّاخِلُونَ عَلَيْكُمْ أَمْ أَنْتُمْ الدَّاخِلُونَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ لَا بَلْ هُمُ الدَّاخِلُونَ عَلَيْنَا قَالَ فَمَا بَأْسٌ بِذَلِكَ» (منسوب به مفید، بی تا: ۲۶۱)؛ اما امام علیه السلام به پاسخ سؤالات آنان بسنده نکرده و در موارد متعددی، به بیان اصول و مبانی پرداخته و برخی مضامین نظیر «اعانت به برادران دینی» و «حکم جایگزین در میان خود» با بسامد بیشتری مطرح شده است؛ چنان‌که در بخش فضای ارتباطی اشاره شد، اکثر روایات رویکرد تبیینی و تدافعی دارند.

۲-۵. فضای فراگفتمانی

چنان‌که در سطور پیشین اشاره شد، مفهوم دال مرکزی از اهمیت ویژه‌ای در تحلیل گفتمان برخوردار است و به نوعی همه مدلول‌ها حول محور آن معنا یافته و مفصل بندی می‌شوند. می‌توان مفهوم «عدم مشروعیت حاکم جائر» را به عنوان دال مرکزی گفتمان روایی امام صادق علیه السلام قلمداد کرد که سایر مدلول‌ها با نظر به آن درک می‌شوند و به میزان نسبتی که با دال مرکزی دارند، سنجیده خواهند شد. شایان یادکرد است بدان سبب که در تحلیل فضای فراگفتمانی روایات به سطح

در زمانی گفتمان نیز توجه می شود، دال مرکزی و مدلول های آن اگرچه در بافت موقعیتی خاصی شکل گرفته اند، بررسی روایات پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) در این خصوص، از فرازمانی بودن آن در منظومه گفتمان شیعی در برابر گفتمان های متکثر رقیب حکایت دارد؛ چنان که امام صادق (ع) در مواردی با استناد به احادیث رسول خدا (ص)، امیر المؤمنین (ع) و پدر بزرگوارشان، در این خصوص به مخاطبان پاسخ دادند یا موضوعی را تبیین نمودند. و یا به محق بودن همه ائمه (ع) در ادوار گوناگون تصریح کردند؛ چنان که در موسم حج دوازده مرتبه با صدای بلند خطاب به مردم فرمودند: «ای مردم رسول خدا امام بود، سپس علی بن ابی طالب، سپس حسن، سپس حسین، سپس علی بن حسین، سپس محمد بن علی و سپس من» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۴۶۶).

با این توضیحات، الگوی گفتمان روایی امام (ع) با نظر به احادیث منقول از ایشان در خصوص کیفیت مواجهه با حاکم جائز ترسیم شده است که هرکدام از مدلول ها طبیعتاً پیامدهایی را نیز به همراه دارد. برای نمونه، عدم اعانت حاکم جائز در سطوح مختلف و ازسوی دیگر، جایگزین کردن حاکم صالح غیر حکومتی در خصومت های میان شیعیان و عدم طمع ورزی نسبت به منافع همکاری با دستگاه حاکمیت جائز، ضمن آنکه عملاً پیام آشکار به رسمیت نشناختن دستگاه حکومتی را در بر دارد، موجب تضعیف حاکمیت و تقویت گفتمان و هژمونی جبهه «خودی» می شود. این موضوع در رابطه با مجموعه راهبردهای ایجابی نیز می تواند صادق باشد.



الگوی گفتمان روایی امام صادق (ع) در خصوص کیفیت مواجهه با حاکم جائز

منبع: ۲۱ حدیث که در فرایند پژوهش مورد استناد قرار گرفته است.

۳. نتیجه‌گیری

بررسی اندیشه سیاسی ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به‌ویژه در رابطه با نوع مواجهه با دستگاه حاکمیت جائر همواره مورد توجه قرار گرفته است؛ اما بررسی اختصاصی اندیشه امام صادق (علیه‌السلام) در این باره که بتواند با تجمیع روایات با مضامین متعدد در این زمینه و بررسی بسترهای متفاوت علمی، فرهنگی و سیاسی و نشان دادن ابعاد آن در فضاهای مختلف تحلیلی، یک الگوی منسجم ارائه دهد، وجود نداشت که با این پژوهش، به نتیجه رسید.

برایند تحلیل احادیث منقول از امام صادق (علیه‌السلام) درخصوص موضوع این پژوهش بر پایه روش تحلیل گفتمان پدام آن است که «دال مرکزی» که هویت‌بخش است و معنای ایدئولوژیک خود را به‌وضوح نشان می‌دهد، «عدم مشروعیت حاکم جائر» است که با توجه به بافت موقعیتی زمان امام صادق (علیه‌السلام) به نظر می‌رسد به‌گونه‌ای دال سیال بوده که گفتمان‌های گوناگون سعی بر تعریف و توجیه خود از این موضوع و تثبیت آن نیز داشته‌اند و این نکته حاکی از آن است که مفهوم «حاکم عادل و مشروع» در مقابل «حاکم جائر و نامشروع»، سیال بوده و نیاز به تفهیم و تثبیت ازسوی گفتمان حق داشته است.

این گفتمان ابعاد متفاوت اعم از راهبردهای سلبی نظیر «عدم اعانت»، «عدم طمع‌ورزی» و «کار بست حکم جایگزین» و ازسوی دیگر، راهبردهای ایجابی «توجه به ملاحظات جنگ با دشمن»، «شناخت و اطاعت از امام حق» و مفهوم «جهاد افضل» در مقابل حاکم جائر را در بر داشت. بدیهی است که در تجویز راهبردهای متعدد در این خصوص که ذیل دال مرکزی «عدم مشروعیت حاکم جائر» تعریف می‌شوند، استثنائاتی نظیر همکاری با دستگاه حکومتی جائر برای اعانت برادران دینی و یا اثرگذاری مثبت در آن عرصه و ازسویی لزوم اثرگذاری و قبول کلمه عدل با عنوان افضل جهاد در برابر حاکم جائر نیز مد نظر بوده است. ازسوی دیگر، کنشگری فعالانه و منفعلانه در این خصوص پیامدهای متعددی نظیر «قبولی یا عدم قبولی اعمال»، «مشمول عذاب الهی بودن یا نجات‌یافتگی» و... در حیطه شخصی و «شراکت در گناه و ظلم حاکم جائر» را در عرصه اجتماعی در بر دارد که در کنشگری فعالانه با توجه به راهبردهای تعریف‌شده در نهایت موجب تقویت گفتمان حق و تضعیف گفتمان باطل می‌شود.

1. Practical Discourse Analysis Method (PDAM)

منابع

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵ق). علل الشرایع. قم: کتاب فروشی داوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (بی تا). عیون اخبار الرضا علیه السلام. بی جا: منشورات جهان.
- ابن سعد، محمد بن سعد. (۱۹۶۸م). الطبقات الکبری. بیروت: دار صادر.
- ابن شعبه، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- ابوالفرج الاصبهانی، علی بن حسین. (بی تا). مقاتل الطالبیین. تحقیق سید احمد صفر. بیروت: دارالمعرفة.
- اعرافی، علیرضا. (۱۴۰۰ش). مکاسب محرمة. تقریر علیرضا گودرزی. قم: مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۴۱۷ق). أنساب الأشراف. تحقیق سهیل زکار وریاض الزرکلی. بیروت: دارالفکر.
- بشیر، حسن. (۱۳۹۲ش). گفتمان ولایتعهدی امام رضا علیه السلام میان دو رویکرد «زیست- قدرت» و «زیست- سیاست». فرهنگ رضوی، شماره ۳، ۴۹-۸۶.
- بشیر، حسن. (۱۳۹۵ش). کاربرد تحلیل گفتمان در تحلیل متون دینی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بشیر، حسن، رجبی، محسن و تالی طبسی، مرضیه. (۱۳۹۹ش). تحلیل گفتمان آیه تبلیغ در خطبه غدیر به روش عملیاتی تحلیل گفتمان پدام. مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۲۶، ۱۰۷-۱۲۸.
- پاکتچی، احمد. (۱۳۸۶ش). جعفر صادق علیه السلام، امام، در: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۸. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- پاکتچی، احمد. (۱۳۷۲ش). ابوحنیفه، در: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- پاکتچی، احمد. (۱۳۹۰ش). نگاهی به اندیشه سیاسی مالک بن انس، در: اندیشه متفکران مسلمان. علی اکبر علیخانی و همکاران، ج ۱. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۵۲ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال هفدهم، شماره سی و چهارم، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، ص ۱۳۱-۱۶۰

- پیشوایی، مهدی. (۱۳۸۷ش). سیره پیشوایان. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- جعفریان، رسول. (۱۳۹۰ش). حیات فکری- سیاسی امامان شیعه. تهران: نشر علم.
- جهانی نسب، احمد. (۱۴۰۱ش). جایگاه دال مرکزی در تحلیل گفتمان انتقادی با تأکید بر رویکرد نورمن فرکلاف. مطالعات علوم انسانی اسلامی، ۸ (۲۹)، ۹۴-۱۰۵.
- حیدری، مهدی. (۱۳۹۵ش). تحلیل اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی سفیان ثوری. یازدهمین گردهمایی انجمن زبان و ادب فارسی. دانشگاه گیلان، ۱۲۳۹-۱۲۵۶.
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸ش). پیشوای صادق. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خانی، عاطفه، خاکپور، حسین و زینی، هادی. (۱۴۰۰ش). تحلیل رویکرد ارتباطات امام باقر علیه السلام با فرقه زیدیه (با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان روایی پدام (PDAM)). دین و ارتباطات، شماره ۵۹، ۱۱۹-۱۴۴.
- سلطانی، سید علی اصغر. (۱۳۸۳ش). تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش. علوم سیاسی، شماره ۲۸، ۱۷۹-۱۵۳.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (بی تا). الملل و النحل. بی جا: مؤسسة الحلبي.
- طقوش، محمدسهیل. (۱۳۸۰ش). دولت عباسیان. ترجمه حجت‌الله جودکی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۵ش). تهذیب الاحکام. تحقیق خراسان. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). الامالی. تحقیق مؤسسة البعثة. قم: دارالثقافه.
- عزت دوست، محمد. (۱۴۰۰ش). کاربرد روش تحلیل گفتمان در راستای فهم نصوص دینی و زمینه‌های صدور آن. مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۲۸، ۱۵۹-۱۸۵.
- علیخانی، علی اکبر و فلاحی، رستم. (۱۳۹۰ش). نگاهی به اندیشه سیاسی ابوحنیفه، در: اندیشه متفکران مسلمان. علی اکبر علیخانی و همکاران، ج ۱. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- عاملی، سیدجعفر مرتضی. (۱۴۰۳ق). الحیاة السیاسیة للإمام الرضا علیه السلام. بی جا: جماعة المدرّسين فی الحوزة العلمیة.
- فیرحی، داود. (۱۳۸۷ش). روش‌شناسی دانش سیاسی در تمدن اسلامی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

گفتمان کاوی روایات امام صادق (ع) در خصوص کیفیت مواجهه با...، فتحیه فتاحی زاده و سیده زینب گلابگیر نیک ۱۵۳

قاضی عیاض. (۱۳۸۴ق). ترتیب المدارک. به کوشش محمد طاویت الطنجی. رباط: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامیه.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کلینی، محمد بن یعقوب. (بی تا). گزیده کافی. ترجمه محمدباقر بهبودی. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

گرامی، سید محمدهادی. (۱۳۹۶ش). مقدمه‌ای بر تاریخ نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

گرامی، سید محمدهادی. (۱۳۹۶ش). نخستین اندیشه‌های حدیثی شیعه. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹ش). سیری در سیره ائمه (ع). تهران: انتشارات صدرا. مسلم بن حجاج. (۱۳۷۴ق). صحیح مسلم. تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی. قاهره- بیروت: مطبعة عیسی البابي الحلبي و شرکاه.

مشکور، محمدجواد. (۱۳۷۵ش). فرهنگ فرق اسلامی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی. مفید، محمد بن محمد. (بی تا). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. بی جا: مؤسسة آل البيت (ع). مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الاختصاص. تصحیح علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی. قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشيخ المفید.

میرعلی، محمدعلی. (۱۳۹۱ش). نظریه اطاعت از حاکم جائز در فقه سیاسی اهل سنت. حکومت اسلامی، شماره ۳، ۱۲۵-۱۵۰.

نجاح، محسن. (۱۳۸۵ش). اندیشه سیاسی معتزله. ترجمه باقر صدری نیا. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

ون دایک، تئون. (۱۳۸۲ش). مطالعاتی در تحلیل گفتمان. گروه مترجمان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

ولوی، علی محمد. (۱۳۸۰ش). دیانت و سیاست (در قرون نخستین اسلامی). تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء (ع).

یاراحمدی، لطف الله. (۱۳۹۱ش). درآمدی بر گفتمان شناسی. تهران: انتشارات هرمس.

یورگنسن، ماریانه و فیلیپس، لوئیز. (۱۳۹۳ش). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

References

The Holy Quran

Alavi. A (2001). Religion and Politics (in the First Centuries of Islam. Tehran: al-Zahra University Publications. Peace be upon her. [In Persian]

Alikhani. A. and Fallahi. R. (2011). A look at the political thought of Abu Hanifa. The Thought of al-Muslim Thinkers. Ali Akbar Alikhani et al., Vol. 1, Tehran: Institute for Cultural and Social Studies. [In Persian]

al-Isfahani .A (n.d.), Maqātil al-Ṭālibiyyīn, edited by Sayyid Ahmad Saqr, Beirut: Dar al-Ma rifah. [In Arabic]

al-Naysaburi. M. (1954). Ṣaḥīḥ al-Muslim. Researcher: Muhammad Fouad Abdul Baqi, Cairo-Beirut: Isa al-Babi al-Halabi Printing House and Co. [In Arabic]

Ameli, S. J. (1982). al-Hayat al-Siyasiyya lil-Imam al-Reza (AS). No place: Jama'at al-Mudarrisin fi al-Hawza al-Ilmiyya. [In Arabic]

Arafi. A. (2021). Makāsib Muḥarrama, report by Alireza Goodarzi, Qom: Eshragh va Erfan Cultural and Artistic Institute. [In Persian]

Baladhuri, A. (1996). Ansāb al-Ashrāf. Edited by Suhayl Zakar and Riyad al-Zarkali. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]

Bashir. H. (2016). Application of discourse analysis in the analysis of religious texts. Tehran: Office of Islamic Culture Publication. [In Persian]

Bashir. H. Rajabi. M. and Tali Tabasi. M. (2020). Discourse analysis of the verse of propagation in the Ghadir sermon using the PDAM discourse analysis operational method. Studies of the Qur'an and Hadith. Sequential Number 26, 107-128. [In Persian]

Bashir.H. (2013). The discourse of Imam Reza's (AS) crown prince between two approaches: "bio-power" and "bio-politics," Farhang-e Razavi: No. 3, 49-86. [In Persian]

Etratdoost, M. (2021). Applying the method of discourse analysis in order to understand religious texts and their contexts of issuance. Studies of the Qur'an and Hadith: No. 28 Sequential: 159-185. [In Persian]

- Fairahi, D. (2008). *Methodology of Political Science in Islamic Civilization*. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. [In Persian]
- Gerami, S. M. (2017), *The First Shiite Hadith Thoughts*. Tehran: Imam Sadiq University Publications. [In Persian]
- Gerami, S.M. (2017). *An Introduction to Ideational and Intellectual Historiography*. Tehran: Imam Sadiq University Publications. [In Persian]
- Heydari. M. (2016). Analysis of the political and social thoughts of Sufyan Thawri, University of Guilan, Eleventh Conference of the Persian Language and Literature Association. 1239-1256. [In Persian]
- Ibn Babawayh, M. (n.d.). 'Uyūn Akhbār al-Riḍā*. No place: Jahān Publications. [In Arabic]
- Ibn Babawayh. M. (1965). 'Ilal al-Sharā'i'. Qom: Davari Bookstore. [In Arabic]
- Ibn Sa'd, M. (1968 AD). *al-Ṭabaqāt al-Kubrā*. Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
- Ibn Shu'bah Harrani, H. (1983). *Tuḥaf al-'Uqūl*, edited by Ali Akbar Ghaffari, Qom: Jami'a Modarresin. [In Arabic]
- Jafarian, R. (2011). *The Intellectual and Political Life of the Shiite Imams*. Tehran: Nashr-e Elm. [In Persian]
- Jahaninasab. A. (2022). The position of the central signifier in critical discourse analysis with emphasis on Norman Fairclough's approach. *Studies in Islamic Humanities*. Eighth year, No. 29, 94-105. [In Persian]
- Jørgensen. M. and Phillips, L. (2014) *Discourse Analysis as Theory and Method*, Translated by: H. Jalili. Tehran: Nashr-e Ney. [In Persian]
- Khamenei . A. (2019). *The Honest Leader*, Tehran: Islamic Revolution Publications. [In Persian]
- Khani. A. Khakpour, H. and Zini, H. (2021) Analysis of Imam Baqir's (pbuh) communication approach with the Zaidiyyah sect (using the PDAM narrative discourse analysis method). *Religion and Communication*. Sequential Number 59. 119-144. [In Persian]
- Kulayni, M. (n.d.), *Selected Kafi*. translated by Behboudi, M. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Center. [In Persian]
- Kulayni. M. (1986). *al-Kafi*. Researcher: Ali Akbar Ghaffari and Muhammad Akhundi, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]

- Mashkoor. M. (1996). Culture of Islamic Sects. Mashhad: Astan Quds Razavi Research Foundation. [In Persian]
- Mirali, M. (2012). The theory of obedience to the unjust ruler in the political jurisprudence of the Sunnis, Islamic Government, No. 3, p. 125_150. [In Persian]
- Motahari, M. (2010). A Journey Through the Conduct of the Imams (AS). Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- Mufid, M. (1992). al-Ikhtisas. corrected by: Ali Akbar Ghaffari, and Mahmoud Moharrami Zarandi. Qom: The World Congress of the Millennium of Sheikh Mufid. [In Arabic]
- Mufid, M. (n.d.) . al-Irshad fi Ma'rifat Hujaj Allah ala al-Ibad. No place: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
- Najjah, M. (2006). The Political Thought of the Mu'tazila, translated by Baqer Sadrinia, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. [In Persian]
- Pakatchi, A. (2011). A look at the political thought of Malik ibn Anas. The Thought of al-Muslim Thinkers. A .Alikhani et al., Vol. 1, Tehran: Institute for Cultural and Social Studies. [In Persian]
- Pakatchi. A. (2007), Ja'far Sadiq (AS), Imam, Great Islamic Encyclopedia, Vol. 18 supervised by K . Mousavi Bojnourdi, Tehran: Great Islamic Encyclopedia. [In Persian]
- Pakatchi. A. (1993). Abu Hanifa, Great Islamic Encyclopedia, Vol. 5. Supervised by K. Mousavi Bojnourdi, Tehran: Great Islamic Encyclopedia. [In Persian]
- Pishvaei, M. (2008). The Conduct of Leaders. Qom: Imam Sadiq Institute. [In Persian]
- Qazi .A. (1964). Tartib al-Madarik, edited by M.Tawit al-Tanji, Rabat: Ministry of Endowments and Islamic Affairs. [In Arabic]
- Shahrestani, M. (n.d.). al-Milal wa al-Nihal. (No place), Muassasat al-Halabi. [In Arabic]
- Soltani, S.A. (2004). Discourse analysis as theory and method. Political Science, No. 28. 153-179. [In Persian]
- Taqoush. M . (1960). The Abbasid Government. Translator: H. Joudaki. Qom: Research Institute of Hawza and University. [In Arabic]
- Tusi, M, (1945). Tahdhib al-Ahkam. Researcher: Kharsan, Dar al-Kutub al-Islamiyah, Tehran. [In Arabic]
- Tusi, M. (1993). al-Amali. Researcher: Mu'assasat al-Ba'tha, Dar al-Thaqafa, Qom. [In Arabic]

Van Dijk. T. (2003), Studies in Discourse Analysis, Group of Translators, Ministry of Culture and Islamic Guidance. Tehran: Center for Media Studies and Research. [In Persian]

Yarahmadi, L. (2012). An Introduction to Discourse. Tehran: Hermes Publications.[In Persian]

Discourse Analysis of Imam Sadiq (as)'s Traditions Regarding the Quality of Confronting an Oppressive Ruler

Fathiyeh Fattahizadeh

Professor, Department of Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran. Email: f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

Seyyede Zainab Golabgirnig

PhD. Student. Department of Quranic studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran, (Corresponding Author). Email: z.golnik1991@gmail.com

Received: 08/01/2024

Accepted: 09/05/2024

Introduction

Nowadays, attention to Fighf al-Hadith has led to the fact that, in addition to the usual and traditional methods, various methods of text analysis have found their special place among al-Muslim researchers and its application opens new horizons of understanding religious texts in front of them. The time of Imam Sadiq's life (as) is full of political and social events and also the arena of conflict of jurisprudential and theological opinions. Considering the density of his jurisprudential and theological traditions and on the other hand, historical reports indicating the Imam's lack of cooperation with the uprisings and numerous requests to accept the caliphate at that time, attention has always been paid to the dimensions of cadre building, human resource training and Islamic culture building by him. But what has been neglected in a way is the analysis of the discourse governing the traditions with the content of the quality of encountering the unjust ruler, which has the capacity to reveal the hidden corners of Imam's thought and action (pbuh) in this regard.

Materials and methods

The importance of the knowledge of Fiqh al-Hadith and enriching it has always been of interest to al-Muslim thinkers. The use of new tools and knowledge, considering the considerations of understanding religious texts, can be defined in this direction and bring valuable results. In the present article, by applying the Padam discourse analysis method, we examine and analyze those traditions of Imam Sadiq (as) whose content is related to instructions that reveal the quality of confronting the unjust ruler and his ruling apparatus for his followers. In the discourse analysis method based on "PADAM" two elements, "context" and "hypertext," play a decisive role in creating and discovering explicit and implicit meanings beyond the text. In fact, understanding intertextual relationships inside and outside the hadith text is the most fundamental factor in discovering the meanings of spoken and unspoken words and determining the central signifiers and other related matters. In the Padam method levels for analyzing non-religious texts, five levels have been determined to explain

the relationship between text and hypertext in various social, political, cultural, etc. fields. However, in the discourse analysis of "religious texts," these five levels are named five spaces, which reflect the "textual and intertextual space" effective in creating narrative discourse. These five spaces are: structural space, semantic space, communication space, discursive space, meta-discursive space (Bashir, 2016, pp. 273-277). In this research, while analyzing the text of the relevant traditions in five different spaces, the backgrounds of issuance and the political, social, and cultural conditions of these traditions have also been examined. The number of traditions studied is twenty-one hadiths, which have been collected by the library method. The basis of its enumeration is hadith books before the fifth century AH, some of which are transmitted with a higher frequency in the sources, and efforts have been made to examine more traditions that contain multiple and non-repetitive contents.

Results and Findings

A review of hadiths on the topic of the present study shows that, in relation to the linguistic structures of the traditions, we generally witness sentences with a known structure, certainty, and emphasis, as well as explanatory statements in the form of injunctive sentences. The content of the hadiths includes instructions to take specific actions, warnings, explanations, corrections and reforms of the audience's mindset, reproaches, and rarely questions.

In the semantic realm, we encounter a collection of "is's" and "oughts" in the arena of ideological facts and the social life of Imam Ali's followers (as), which are explained by Imam Ali (as). Careful consideration of these themes reveals that, in addition to creating the notion of the "illegitimacy of the unjust ruler" for the audience, it prescribes othering and attempts to demarcate and, in most cases, avoid it in various ways. Regarding the examination of the type of application of communication approaches in this area, except for one recommendation that shows a conservative approach, we witness a defensive and explanatory approach in most of the traditions. The analysis of the semantic space of the hadiths indicates the explanation of the close relationship between "obedience," "assistance," "criteria for evaluating human action," and "the outcome of affairs" with the recognition of the righteous and just Imam and the unjust ruler and the type of action in this regard, and the quality of relations and its exceptions can also be seen in various traditions. To analyze the discursive space of the traditions, considering the situational context, the socio-political and cultural conditions of the time of Imam Sadiq (as), the rival currents in the two arenas of politics and culture were examined. Finally, since in the analysis of the meta-discursive space of the traditions, attention is also paid to the diachronic level of discourse, the central signifier and its signifieds, although formed in a specific situational context, the examination of the traditions of the Holy Prophet (pbuh) and the Imams (as) in this regard, indicates its trans-temporality in the system of Shia discourse in the face of multiple rival discourses. With these explanations, in the narrative discourse model of the Imam (as), each of the signifieds naturally has consequences. For example, not assisting the unjust ruler at various levels, and on the other hand, replacing a righteous non-governmental arbitrator in the disputes between the Shiites and not being greedy for the benefits of cooperating with the unjust ruling system, while in practice conveying the message of not recognizing the ruling

system, weakens the ruling power and strengthens the discourse and hegemony of the "insider" front.

Conclusion

The outcome of the analysis of the hadiths narrated from Imam Sadiq (as) regarding the subject of this research based on the Padam discourse analysis method is that in contrast to the discourses of the ruling power represented by the Umayyads and Abbasids, as well as scientific and cultural discourses other than Shia Imamiyyah, which were led by the Kharijites and the leaders and intellectual supporters (jurists) of the uprisings, the discourse of "illegitimacy of the unjust ruler" was raised by the Imam (as). This discourse, which generally affected all aspects of the lives of the Shiites, determined their duty in relation to how to deal with the unjust ruler and his ruling system.

This discourse included different dimensions, including negative strategies such as "non-assistance," "non-greed," and "application of alternative rule," and on the other hand, positive strategies of "attention to the considerations of war with the enemy," "recognition and obedience to the righteous Imam," and the concept of "superior jihad" against the unjust ruler. It is obvious that in prescribing multiple strategies in this regard, which are defined under the central signifier of "illegitimacy of the unjust ruler," there are exceptions such as cooperation with the unjust ruling system to assist religious brothers or have a positive effect in that arena, and on the other hand, the necessity of influencing and accepting the word of justice as the best jihad against the unjust ruler has also been considered. Therefore, passive action in this regard has multiple consequences such as "acceptance or non-acceptance of deeds," "being subject to divine punishment or salvation," etc. in the personal sphere and "participation in the sin and oppression of the unjust ruler" in the social sphere, which in contrast, active action with regard to the defined strategies ultimately strengthens the discourse of truth and weakens the discourse of falsehood.

Keywords: Imam Sadiq (as), Oppressive ruler, discourse analysis, Padam operational method, competing discourses.